



در اولین سالگرد جنگ غزه، اسرائیل متفوتر و تنهاتر از همیشه به نظرمی رسد شروع سقوط نهایی رژیم غاصب

گزارش خبری

وصال روحانی
روزنامه نگار

سزاوار اشد مجازات جلوه داده است. این گونه است که سازمان های کیفری بین المللی دیر یا زود بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رادیکال اسرائیل را در محاکم ارشد قضایی جهان به سببی ارتکاب بزرگترین جنایات جنگی زمانه فعلی محاکمه خواهند کرد و او و دستیارانش هرگز از این عقوبت رهایی نخواهند یافت.

جهان؛ هرچه بیزارتراز اسرائیل

رژیم منحوس تل آویو طی یک سالی که از جنگ غزه می گذرد، از هر خط قرمز قابل تصویری عبور کرده و با همیاری آمریکا که تجهیزکننده اصلی نظامی اش بوده، بزرگترین و ویران کننده ترین بمب ها را بر سر و روی مردم بی گناه فلسطین ریخته و روی بزرگترین قاتلان اعصاب پیشین را هم سفید کرده است. رژیم صهیونیستی در این مدت به بیمارستان ها، مدارس و خانه های مسکونی هم رحم نکرده و آنها را نیز بمباران کرده و بیش از ۸۰ درصد خسارت فیزیکی را به آنها وارد ساخته است و در میان قربانیانش بیش از ۳۴ هزار زن و کودک هم جای داشته اند. جدیدترین فجایع برخاسته از سوی صهیونیست ها، انداختن بمب های حداقل یک «تنی» در منطقه ضاحیه بیروت بوده که موجب شهادت سید حسن نصرالله دبیرکل قدرتمند «جنبش حزب الله» و شماری از سایر فرماندهان ارشد این نهاد شد. اسرائیل کوشیده است این ترورهای بی ظاهر موفق و از میان برداشتن اسماعیل هنیه دبیرکل دفتر سیاسی سازمان حماس را که روز ۸ تیرماه تحقق یافت، سند پیروزی خود در جنگ فرسایشی غزه جلوه دهد، اما فقط بر تنگ و رسوایی خود افزوده و مردم آزاده جهان را از خود بیزارتر ساخته و هرچه تنهاتر شده است.

کدام امنیت برای صهیونیست ها متصور است؟

اسرائیل و یاورانش طی این مدت بارها مدعی شده اند که حملات شدید و پایان ناپذیرشان

در نخستین سالگرد انجام عملیات «طوفان الاقصی» توسط سازمان حماس و شروع جنگ غزه که روز ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (۱۵ مهر ۱۴۰۲) تحقق یافت، بیش از آنکه به نظر برسد اسرائیل در شرایط پیروزی قرار دارد، این واقعیت بیش از پیش خودنمایی می کند که روند نابودسازی نهایی و کامل رژیم غاصب صهیونیستی آغاز شده و این فرآیند پای به مرحله تحقق خویش نهداده است. اسرائیل از فردای روز تهاجم جانانه «حماس» «جنبش جهاد اسلامی» به سرزمین های اشغالی و شوک عظیمی که از این بابت محتمل شد، شروع به بمباران کور و سبعانه باریکه غزه کرده و در شروع سال دوم این جنگ بیش از ۴۴ هزار شهید و فزون تر از ۱۰۰ هزار مجروح را روی دست فلسطینی های شریف گذاشته است. انبوه این ضایعات به جای اینکه رژیم جعلی تل آویو را برنده این جنگ نشان داده باشد، در تمامی سطح جهان بدنام تر و رسواتر از همیشه ساخته، به طوری که در کمتر کشوری در دنیا در این زمینه بی تفاوتی مشاهده شده بلکه برعکس روزی نیست که مردم به خیابان ها نیندند و علیه «نسل کش» های تل آویو شعار ندهند و خواستار اعلام آتش بس و رساندن هرچه سریع تر کمک های اضطراری بشردوستانه به خیزل مجروحان فلسطینی نشوند. رژیم نامشروع تل آویو طی یک ماه اخیر با سبعیت هرچه بیشتر به جنوب لبنان و شهر بیروت هم حمله کرده و در آنجا هم خرابی ها و کشتارهای بسیاری را موجب شده، اما این دهنمنشی ها فقط دست این رژیم آبارتایدی و شریک بزرگش آمریکا را بیش از پیش رو کرده و هر دو را در محضر افکار عمومی



به غزه و رفح و همچنین کرانه باختری در مقام دفاع از خود بوده و شروع کننده جنگ سازمان حماس بوده است. با این حال آنچه طی جنایات عظیم جنگی اسرائیلی ها در یک سال اخیر بر جای مانده، از بین رفتن نظم و امنیت در کل خاورمیانه بوده و آنها کاری کرده اند که نه سرزمین های اشغالی آرامش داشته باشند و نه اکثر کشورهای درگیر شده در جنگ غزه روزهای روشنی را به چشم ببینند. با همیاری آمریکا و انگلیس و تا حدی فرانسه و آلمان، رژیم صهیونیستی طی یک سال اخیر بارها مواضع مختلفی را در خاک یمن، عراق و سوریه بمباران کرده و اخیراً طوری به لبنان تاخته که فراتر از غزه و کرانه غربی تبدیل به محل اصلی جنگ جاری در منطقه شده است. بعد از به شهادت رسیدن سید حسن نصرالله، اسرائیل کوشید خود را یک قهرمان و پیروز میدان جنگ معرفی کند، اما به سرعت مشخص شد که هم جنبش «حزب الله» تشکل خود را حفظ کرده و هم با حمله جبرانی اخیر ایران به سرزمین های اشغالی که پاسخگویی به ترور هنیه و «سید حسن» بود، رژیم تل آویو طوری لرزید و کمبودهای خود را آشکار کرد که حالا اکثر محافل جهانی می پرسند با تجهیز شدن روزافزون گروه های «مقاومت» و امکان استفاده هرچه بیشتر آنها از موشک هایی که می توانند دورترین نقاط از جمله تل آویو و حیفا را با بیشترین تأثیرگذاری بزنند، چگونه آمینتی را می توان برای این رژیم نامشروع تلقی کرد.

تبدیل منطقه به یک پادگان

اینکه شجاع عملیاتی گروه های «مقاومت» هر روز بیشتر و شمار موشک های بالستیک در اختیار آنها پیوسته فزون تر از گذشته می شود، طبیعاً به این معناست که اگر «امروز» هنوز آینده ای ولو کوتاه مدت برای صهیونیست ها متصور است، «فردا» چنین چیزی برای آنها امکان پذیر نخواهد بود. با وسع تر شدن حوزه عملیاتی نیروی «حزب الله» و تقویت حماس از طریق ابتیاع سلاح های بیشتر و پیشرفته تر، دری نخواهد باید که صهیونیست ها تل آویو و حیفا را ترک کنند و برای بهره مند شدن از آسایش و امنیت به اروپا برگردند. این همان فرآیند موسوم به «مهاجرت معکوس» است و اشاره ای به کوچ گسترده سال ۱۹۴۸ یهودیان به فلسطین و تشکیل دولت جعلی اسرائیل به قیمت تصاحب ملک آبا و اجدادی فلسطینی ها بوده است. اگر آن مهاجرت، یهودی ها را از اروپا به آسیا آورد، فرار گسترده اسرائیلی ها از سرزمین های اشغالی که طی یک سال اخیر برقرار بوده و پس از گسترش حملات موشکی

گروه های «مقاومت» به این سرزمین ها شدت گرفته است، باقی مانده اسرائیلی های حاضر در این سرزمین ها را هم فراری خواهد داد و آنجا بدون سکنه و فقط به صورت یک پادگان در اختیار رژیم صهیونیستی باقی خواهد ماند. اسرائیلی هم جرأت استقرار و ادامه حضور در آن را از خود بروز ندهند و همچون ساکنان عادی این منطقه از ترس حملات بعدی جبهه «مقاومت» از آن بگریزند.

راهی برای گریز نیست

لبنان سابقه زمینگیر کردن متجاوزان اسرائیلی را در گذشته هم بارها داشته است و این امر برایش تجربه تازه ای نیست و به رغم خسارات بزرگی که حملات توپخانه ای اخیر و بمب های پرتاب شده از سوی هواپیماهای جنگنده اسرائیل به جنوب لبنان و شهر بیروت وارد ساخته، به نظرمی رسد این تجربه در حال تکرار شدن است و اسرائیل باید یکبار دیگر چوب ندانم کاری خود را بخورد. چه در سال ۱۹۸۲ که عملیات آریل شارون شمالی جنایتکاری اسرائیل در جنوب لبنان به شکست منجر شد و تولد و قدرت گرفتن تدریجی جنبش حزب الله را موجب گشت و چه در سال ۲۰۰۶ که ادعاهای کاندولیزا رایس وزیر خارجه وقت آمریکا در مورد ترسیم یک نقشه جغرافیایی و سیاسی تازه برای خاورمیانه تبدیل به یک معادله مرگ آور برای صهیونیست ها و آپروریزی برای امریکایی ها شد، مشخص گشت که لبنان و نیروهای مسلح آن و گروه های «مقاومت» مستقر در این مکان پایدارتر از آن هستند که ارتش سفاک اسرائیل تصور می کند. امروز همان طرز نگاه و بیاور «مردم اتفاقات اخیر در جنوب لبنان برقرار است و اگر اسرائیل روی استمرار تاکتیک های تهاجمی سرشار از خنثی خود بیش از حد اصرار ورزد و فقط ویران سازی کور و بی هدف این منطقه بپردازد، به نقطه ای خواهد رسید که ورشکستگی سیاسی اش را بیش از حد حس خواهد کرد. اینک رژیم اشغالگر قدس در نقطه ای ایستاده که به سبب درگیر کردن خود با چند جنگ همزمان و رویارویی ایستاد با چندین و چند کشور قدرت و امکان فتح هیچ یک از آنها را ندارد و فرجام آن می تواند شکست اسرائیل در همه این جنگ ها باشد. این همان «پایان» محتومی است که هر قدر هم قصابان حاکم بر تل آویو قصد فرار از آن را داشته باشند و آن را انکار کنند، بیش از پیش به تجربه کردن مجدد آن نزدیک خواهند شد.

منبع: Middle East Eye و Aljazeera.com

در آغاز دومین سال تهاجم اسرائیل به غزه پنتاگون دیگر کارت دعوت لازم ندارد!

این جنگ، جنگ امریکاست

برخی می گویند با توجه به شراکت آمریکا در ردیابی موشک های شلیک شده به سوی اسرائیل و تلاش پنتاگون برای سرکوب این اقدامات، وسع تر شدن حضور امریکایی ها طی جنگ جاری در خاورمیانه یک احتمال قوی نشان می دهد، اما واقعیت این است که امریکایی ها از قبل هم درگیر این جنگ بوده و پای ثابت آن جلوه کرده اند. طبق دستور اخیر جو بایدن رئیس جمهور آمریکا، ارتش این کشور موظف شده هرگونه ردگیری ضروری را نسبت به موشک هایی که گروه های مختلف «مقاومت» به سمت فلسطین اشغالی پرتاب کرده و می کنند، صورت دهد و مانع افزایش خسارات در این منطقه شود. تأسیسات پدافند هوایی که مدت ها است در اختیار رژیم صهیونیستی قرار داشته، هیچگاه کم جلوه نکرده اما اصرار امریکایی ها برای کامل کردن آن با هدف تأکید بر حمایت تام و تمام آنها از رژیم جعلی تل آویو صورت پذیرفته است؛ اقدامی که سبب می شود امریکایی ها لابی صهیونیستی را از دست ندهند و از پول بیکران آنها که همیشه در چرخش امورات داخلی آمریکا دخیل بوده، بی نصیب نشوند. جیک سالویان، مشاور امنیت ملی آمریکا به تازگی در کنفرانسی مطبوعاتی، از آنچه آمادگی اسرائیل برای پس زدن حملات هوایی مخالفانش توصیف کرد، تمجید نمود و گفت، متخصصان امریکایی هم در این راه کنار دیگران اسرائیلی به بهترین شکل انجام وظیفه کرده اند اما واقعیت امر چیزی خلاف این است. از یک سو در حملات جبرانی اخیر ایران به اسرائیل حدود ۹۰ درصد اهداف مورد نظر با موفقیت نشانده گیری و ویران شد و از طرف دیگر آمریکا با اعتراف صریح به مشارکتش با ارتش اسرائیل، نشان داد از هر جهت در جنگ نابرابر یک سال اخیر آنها با فلسطینی ها کنار رژیم نسل کش تل آویو قرار داشته است؛ جنگی که بیش از ۴۴ هزار فلسطینی شریف را به شهادت رسانده و موجبات زخمی شدن فزون تر از ۱۰۰ هزار نفر را هم فراهم آورده است. از تبعات تلخ جنگ افروزی مشترک رژیم سفاک تل آویو و دولت آمریکا در منطقه همین بس که طی حملات هوایی ۵ هفته اخیر آنها به جنوب لبنان و شهر بیروت هم بیشتر از ۲ هزار و ۵۰۰ نفر جان باخته اند و شمار زخمی ها از ۵ هزار نفر هم فراتر رفته است.

نصایحی که بایدن نپذیرفت

هر توصیفی که بر وضعیت فعلی متصور باشد، باید متذکر شد که آمریکا شرایط کنونی خویش را فقط باید محصول تصمیم ها و اقدامات خود بداند. آمریکا سال ها است که ارتش متجاوز صهیونیستی را تجهیز تسلیحاتی می کند تا بتواند فلسطینی ها را به کلی محو کند و طی یک سالی که از شروع جنگ غزه می گذرد، ارقام کمی و ناشگنن به تل آویو در این راه چند برابر گذشته شده است. جو بایدن رئیس جمهور آمریکا که چند ماهی است به سبب عارضه زوال عقل نقش پیشرو خود را از دست داده و زمام امور را به معاونش «کامالا هریس» سپرده، طی جنگ غزه بارها با درخواست های جامعه جهانی برای پایان دادن کمک های نظامی اش به تل آویو مواجه شد، اما به هیچ یک توجه نکرد و تا توانست پول های میلیاردری و انبوه سلاح های شامل بمب های چند «تنی» را به دست بنیامین نتانیاهو و دار و دسته جنایتکار او رساند

در انبارهای پنهان بغداد و چند نقطه دیگر بیاید و توریست های مستقر در منطقه را سر جای خود بنشانند اما آنچه آنجا هرگز یافت نشد، سلاح هایی از این قبیل بود. لشکرهای پرتعداد گسیل شده آمریکا به خاورمیانه، در ادامه وارد افغانستان هم شده و در آنجا هم مدعی شدند که قصد برچیدن بساط القاعده و طالبان را دارند. در عمل نه نیروهای طالبان مهار شدند و نه بال های القاعده چیده شد و گروه همنمی داعش هم به صف سازمان های تروریستی اضافه شد. ۲۰ سال بعد از آن حضورهای خودخواسته، سربازان ارتش فرسوده آمریکا با سرشکستگی هر چه بیشتر از خاورمیانه گریختند و تنها وجه تفاوتی که بین حضور آنها در افغانستان و عراق با ورودشان به باریکه غزه و جنگ جاری در این منطقه وجود داشته، این است که در مورد اول هیچ کس از کاخ سفید نخوابیده بود که به عراق و افغانستان لشکرکشی کند اما در اوایل پاییز سال پیش که «طوفان الاقصی» رخ داد و سازمان «حماس»، اسرائیل را از بیخ و بن لرزاند، این رژیم جعلی به کرات از امریکا طلب کمک کرد و لشکریات بایدن نه تنها چنین چیزی را از آنها دریغ نکرد بلکه هر چه داشت و دارد، به پای اسرائیلی ها ریخت. به واقع امریکا براساس کارت دعوت صهیونیست ها وارد جنگ غزه شد ولی اگر تل آویو از آنها کمک نمی خواست، برای تقویت آنان آماده بود و کارت دعوت نمی خواست زیرا لازمه بهره مندی از لابی صهیونیستی و پول بیکران آنها، حفظ جان و امنیت این رژیم پوشالی و جلوگیری از سقوط آن است.

آنها از بی آبرویی کامل هم ایایی ندارند

با اینکه امریکا هنوز هم ادعا می کند که خواستار قطع فوری جنگ غزه و برقراری آتش بس است، اما نشانه های موجود ناقص همه این ادعاهاست و پنتاگون هر اقدامی را که برای استمرار آتش افروزی اسرائیل مورد نیاز است، مهندسی و اجرایی می کند. جیک سالویان در اظهارات اخیرش متذکر شده که فضای منطقه سرشار از ابرهای تیره و دربردارنده احتمال هایی ترسناک است و امکان وسعت یافتن جنگ اصلاً اندک نیست. او نام کشورهای دیگری را که احتمال دارد به میدان جنگ کشیده شوند، به صراحت نگفت اما همین حالا بجز فلسطین و لبنان، کشورهای یمن، سوریه و عراق هم مورد تهاجمات مکرر هوایی آمریکا و انگلیس که قصد تقویت موضع سست اسرائیل و تضعیف دشمنان تل آویو را دارند، قرار گرفته و به کرات بمباران شده اند و بر اثر این روند، ضایعات وسیعی بر جای مانده است. هر اتفاقی که در روزهای بعدی روی دهد، در یک واقعیت هیچ تغییری ایجاد نمی شود و آن، ادامه مشارکت تمام عیار واشنگتن در مناقشه ای است که شاید بمب های اولیه آن را اسرائیلی ها رأساً روی سر مردم بی گناه غزه ریخته باشند، اما ترسیم و اجرای همه حملات بنیان برافکن بعدی به غزه، کرانه غربی و لبنان، با دولت آمریکا بوده است؛ شریکی که برای حفظ موجودیت پلید صهیونیسم به هر کاری دست می زند و حتی از بی آبرو شدن تمام عیار خود نیز ایایی ندارد.

منبع: Aljazeera.com



امریکا سال ها است که ارتش متجاوز صهیونیستی را تجهیز تسلیحاتی می کند تا بتواند فلسطینی ها را به کلی محو کند و طی یک سالی که از شروع جنگ غزه می گذرد، ارقام کمی و ناشگنن به تل آویو در این راه چند برابر گذشته شده است.



با اینکه امریکا هنوز هم ادعا می کند که خواستار قطع فوری جنگ غزه و برقراری آتش بس است، اما نشانه های موجود ناقص همه این ادعاهاست و پنتاگون هر اقدامی را که برای استمرار آتش افروزی اسرائیل مورد نیاز است، مهندسی و اجرایی می کند. جیک سالویان در اظهارات اخیرش متذکر شده که فضای منطقه سرشار از ابرهای تیره و دربردارنده احتمال هایی ترسناک است و امکان وسعت یافتن جنگ اصلاً اندک نیست. او نام کشورهای دیگری را که احتمال دارد به میدان جنگ کشیده شوند، به صراحت نگفت اما همین حالا بجز فلسطین و لبنان، کشورهای یمن، سوریه و عراق هم مورد تهاجمات مکرر هوایی آمریکا و انگلیس که قصد تقویت موضع سست اسرائیل و تضعیف دشمنان تل آویو را دارند، قرار گرفته و به کرات بمباران شده اند و بر اثر این روند، ضایعات وسیعی بر جای مانده است. هر اتفاقی که در روزهای بعدی روی دهد، در یک واقعیت هیچ تغییری ایجاد نمی شود و آن، ادامه مشارکت تمام عیار واشنگتن در مناقشه ای است که شاید بمب های اولیه آن را اسرائیلی ها رأساً روی سر مردم بی گناه غزه ریخته باشند، اما ترسیم و اجرای همه حملات بنیان برافکن بعدی به غزه، کرانه غربی و لبنان، با دولت آمریکا بوده است؛ شریکی که برای حفظ موجودیت پلید صهیونیسم به هر کاری دست می زند و حتی از بی آبرو شدن تمام عیار خود نیز ایایی ندارد.

تا هر چه می خواهند در غزه، رفح، کرانه باختری و اخیراً در لبنان انجام دهند. حقایق از این دست و سایر نشانه های موجود گواهی می دهند، آمریکا کشوری نیست که به درون جنگ غزه کشیده شده باشد بلکه نظامی است که به خواست خود و با همه نیرو و اشتیاقش به این صحنه ورود کرده و شریک و همراه درجه اول «نسل کش» های تل آویو در جنگ غزه از همان روز نخست

بده است؛ جنگی که در شروع سال دوم برپایی اش می تواند به هر فرجام تلخ بزرگتری منجر شود و بدترین حالت آن می تواند بسط بیشتر جنگ در خاورمیانه و تبدیل شدن آن به یک ستیز عظیم و فرامنطقه ای باشد.

لشکرکشی های پررزر به عراق و افغانستان

البته موارد متعددی در گذشته هم وجود دارد که مربوط

به دخالت و ورود امریکا به مناقشات و جنگ هایی بوده که جریان داشتند و واشنگتن بدون اینکه ارتباط لازم و مستقیمی با آن داشته باشد، خودش را وارد عرصه آن جنگ ها کرد. پنتاگون بعد از جنگ مستقیم اش با عراق به قصد بیرون کردن ارتش رژیم بعثی از خاک کویت در سال ۱۹۹۰، یک بار دیگر و این بار از سال ۲۰۰۳ وارد خاک عراق شد تا به ادعای خود سلاح های کشتار جمعی